



## قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر [پیامبر اکرم \(صلی الله علیه و آله وسلم\)](#) اختصاص پیدا کرده است گفته می‌شود. و چنان‌که برخی [علما](#) گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی [کتاب آسمانی](#) است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.  
[\[۱\] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.](#)

### فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام معانی قرآن
  - ۱.۱ - جامد
  - ۱.۲ - مشتق
  - ۱.۳ - برگرفته از قرء
- ۲ - دلایل قوی‌ترین اقوال
  - ۲.۱ - دلیل اول
  - ۲.۲ - دلیل دوم
  - ۲.۳ - دلیل سوم
  - ۲.۴ - دلیل چهارم
- ۳ - وظایف مسلمانان
  - ۳.۱ - وظیفه عملی
- ۴ - بیانویس
- ۵ - منبع

### اقسام معانی قرآن

در معنای قرآن وجوه پنج‌گانه‌ای گفته شده است  
[\[۱\] بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.](#)  
[\[۲\] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.](#)  
که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

#### ← جامد

قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن‌که پیشینه استعمال در [زبان عرب](#) داشته باشد، [خداوند](#) به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است؛ مثل [تورات](#) و [انجیل](#) که اسم برای کتاب‌های [حضرت موسی \(ع\)](#) و [عیسی \(ع\)](#) هستند ([شافعی](#)).

#### ← مشتق

الف) مشتق از قرن الشیء بالشیء؛ یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن. علت این نامگذاری، مقرون بودن سوره‌ها و [آیات](#) و حروف به یکدیگر است ([اشعری](#) و جمعی دیگر).  
ب) قرآن، مشتق از قرآن، جمع قرینه است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تأیید می‌کنند. هر [آیه](#) از قرآن، قرینه آیه دیگر است (فراء).

#### ← برگرفته از قرء

الف) از قرء به معنای جمع گرفته شده است. عرب وقتی بخواهد بگوید: [آب](#) را در حوض جمع کردم، می‌گوید: قرأت الماء فی الحوض. علت این نامگذاری، آن است که این کتاب همه ثمرات کتاب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است ([ابن اثیر](#)، [زجاج](#) و...).

ب) بر وزن رجحان و غفران، مشتق از ماده قرا به معنای **تلاوت** است. در اینجا از بلب تسمیه مفعول به مصدر، مقروء، یعنی خوانده شده و یا خواندن، به نام قرآن، یعنی خواندن به کار رفته است؛ مثل آن که کتلب، که به معنای نوشتن است، به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می‌گردد (لحیانی و جمعی دیگر).

## دلایل قوی‌ترین اقوال

از میان اقوال پنج‌گانه فوق، قول پنجم از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

### ← دلیل اول

زرقانی پس از رد سایر اقوال، همین قول را اختیار نموده است.  
[۱۴] زرقانی، محمد، **مناهل العرفان**، ج ۱، ص ۱۴.

### ← دلیل دوم

القراءة ضم الحروف و الکلمت بعضها الي بعض في الترتیل...: قراعت به معنای پیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمت به یکدیگر در هنگام ترتیل است.  
[۱۵] **راغب اصفهانی**، حسین بن محمد، **راغب**، مفردات، ص ۶۶۸.

به سخن دیگر، قراعت همان تلاوت آیت الهی است.

### ← دلیل سوم

و قوله: «ان علينا جمعه و قرآنه»... القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان، و الضمیران للوحي، و المعنی: لاتعجل به، اذ علينا ان نجتمع ما نوحیه اليك بضم بعض اجزائه الي بعض و قراعتك عليك  
[۱۶] **طباطبائی**، محمدحسین، **المیزان**، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

از آیه فوق به خوبی برمی‌آید که اگر حتی آن‌گونه که **ابن اثیر** گفته است، اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد، به خاطر تقارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای قراعت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده، با **فصاحت** قرآنی منافات دارد.

### ← دلیل چهارم

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می‌کند، امر «اقرأ» در نخستین **وحی** بر **پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)** است که بی‌تردید به معنای «بخوان» است. لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از **سوره مزمل** نازل شده که مطابق حدیث معروف **جابر بن زید** و **ابن عباس**، سومین **سوره** در ترتیب نزول سوره‌هاست.

[۱۷] سیوطی، جلال‌الدین، **الاتقان في علوم القرآن**، ج ۱، ص ۸۱.  
در این آیه، دستور چنین است: «و رتل القرآن ترتیلاً»؛

[۱۸] **مزمل/سوره ۷۳، آیه ۴.**

و «قرآن» را شمرده شمرده بخوان، در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در بگ فرمان همگانی اعلام می‌شود: «فافرؤا ماتیس من القرآن»  
[۱۹] **مزمل/سوره ۷۳، آیه ۲.**

هرچه از «قرآن» میسر می‌شود، بخوانید» بدیهی است که منظور در هر دو آیه، قرآن خواندن است. نتیجه آن روشن‌ترین و مناسب‌ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است.

## وظایف مسلمانان

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتلب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۳ **سوره بقره** می‌فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ»  
[۲۰] **بقره/سوره ۲، آیه ۶۳.**

آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید.» این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی **تدبیر** و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل. از **امام صنایع (علیه‌السلام)** ذیل همین آیه می‌پرسند: «افره فی الابدان قوه فی القلوب؛ آیا به نیروی جسمها یا دلها؟» آن حضرت می‌فرماید: «فیهما جمیعا؛ به هر دو»  
[۲۱] **مجلسی**، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۱۳، ص ۲۲۶.

خداوند در آیه ۲۹ **سوره ص** می‌فرماید: «كَتَبْنَا لِذَلِكَ مُبَارَكًا لِيَذَّبَ رُوا آيَاتِهِ»

[۲۲] **ص/سوره ۳۸، آیه ۲۹.**

این کتابی مبارک است که به سوی تو فرستاده شده تا در آیت آن تدبیر کنی» و در آیه ۲۴ **سوره محمد** نیز می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْدَبُرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا»  
[۲۳] **محمد/سوره ۴۷، آیه ۲۴.**

چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند، آیا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟»

### ← وظیفه عملی

این دو آیه و وظیفه علمی ما را نسبت به قرآن بیان می‌کند. اما در باره وظیفه عملی نیز می‌فرماید که مسلمانان باید این‌گونه باشند: «كانهم بُنِيانٌ مَرصُوصٌ»

[\[۱۴\] صف/سور ۶۱، آیه ۴.](#)

یعنی مسلمانان باید به گونه‌ای عمل کنند که دیگر نفوذ ناپذیر شوند و کسی قصد و نیت حمله پیدا نکند. باید اهل استقامت و پایداری در دین باشند: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَلَبَّ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

[\[۱۵\] هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۲.](#)

پس، همان‌گونه که دستور یافتنای، ایستادگی کن و هر که با تو تویه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»  
مسلمان باید به گونه‌ای باشد که دشمن وقتی می‌آید می‌بیند که نمی‌تواند نفوذ کند و «وَأَلْبِسُوا فِيكُمْ غُلظَةً»

[\[۱۶\] توبه/سور ۹، آیه ۱۲۳.](#)

باید در شما غلظت و ستبر و سختی باشد» که کسی دیگر طمع نورزد. البته در میدان جهاد باید حمله کرد و غلظت داشت: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»

[\[۱۷\] توبه/سور ۹، آیه ۷۳.](#)

با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!

اما در حالت عادی نمی‌خواهد این‌گونه رفتار کنید بلکه باید کسی که از بیرون شما را ببیند دژی استوار و نفوذناپذیر ببیند و لازم نیست حمله کنید تا غلظت و ستبری خود را در حمله به نمایش بگذارید، بلکه همین غلظت و ستبری و سختی را در شما ببیند. پس وظیفه هر مسلمانی نسبت به قرآن این است که در آن تدبیر کند و مفاهیم آن را بفهمد و در مقام عمل به شدت بر عمل به آن مراقبت و مواظبت نماید و کوتاه نیاید و از حدود الهی تجاوز نکند و اجازه تجاوز و عصیان ندهد.

## پانویس

۱. [↑](#) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.
۲. [↑](#) بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.
۳. [↑](#) سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
۴. [↑](#) زرقانی، محمد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.
۵. [↑](#) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، راغب، مفردات، ص ۶۶۸.
۶. [↑](#) طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
۷. [↑](#) سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.
۸. [↑](#) مزمّل/سور ۷۳، آیه ۴.
۹. [↑](#) مزمّل/سور ۷۳، آیه ۲۰.
۱۰. [↑](#) بقره/سور ۲، آیه ۶۳.
۱۱. [↑](#) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲۶.
۱۲. [↑](#) ص/سور ۳۸، آیه ۲۹.
۱۳. [↑](#) محمد/سور ۴۷، آیه ۲۴.
۱۴. [↑](#) صف/سور ۶۱، آیه ۴.
۱۵. [↑](#) هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۲.
۱۶. [↑](#) توبه/سور ۹، آیه ۱۲۳.
۱۷. [↑](#) توبه/سور ۹، آیه ۷۳.

## منبع

[اندیشه قم](#)

سایت پژوهی، برگرفته از مقاله «وظیفه علمی و عملی ما در برابر قرآن»، [تایخ بازیابی ۹۵/۱/۲۴](#).

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات اسلامی](#) | [تفسیر](#) | [قرآن شناسی](#) | [کتاب آسمانی](#) | [مقالات اندیشه قم](#) | [مقالات پژوهی](#) | [واژگان قرآنی](#)